



آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور

شماره دادنامه: ۱۹/۱۱۵

تجدید نظر خواه: آقای عنایت الله دانشور،
وکیل دادگستری به وکالت از سوی عبدالکریم
زمان زهی

تجدید نظر خواننده: سیاوش و بانو زیبا
کریمی

تجدید نظر خواسته: دادنامه شماره
۱۱۳/۷۹ صادره از شعبه ویژه قتل دادگاه
عمومی حاجی آباد

تاریخ ابلاغ دادنامه به تجدیدنظر خواه:
۷۹/۳/۲۵

تاریخ وصول دادخواست تجدیدنظر:
۷۹/۴/۵

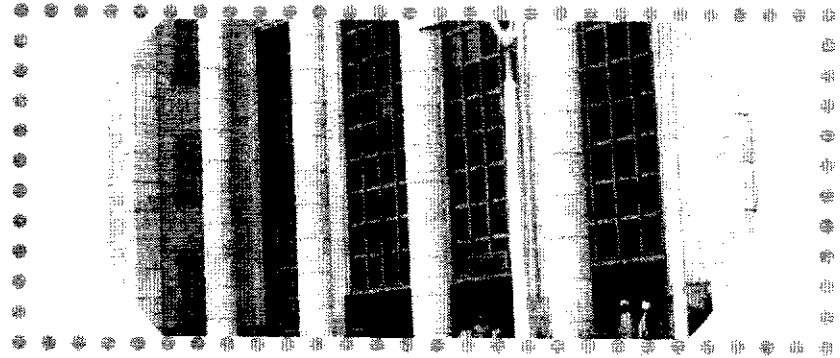
مرجع رسیدگی: شعبه ۱۹ دیوان عالی
کشور

هیئت شعبه آقایان: مصطفی فاتحی رئیس
و سیدعباس بلادی عضو معاون
خلاصه جریان پرونده:

در تاریخ ۷۴/۷/۱، جسد جوانی به نام
مجید کریمی، ۱۵ ساله در حوضچه آبی در
حوالی حاج آباد بندرعباس کشف شده در حالی
که لخت و فقط مایو شنا به تن داشت و سایر
لباسهای او در کنار حوضچه قرار داشته است.
به دستور دادگاه، جسد به پزشکی قانونی
ارسال و دو فقره برگ معاینه پزشکی تهیه
می شود که مفاد هر دو حاکی است از این که از
گوشها و بینی خونابه خارج شده و به فساد
نعش رسیده است. آثار خفگی و خفه کردگی و
مسمومیت و سوختگی ندارد. اندامها به ظاهر
سالم و فاقد آثار ضرب و جرح و یا شکستگی
استخوان می باشد. پوست دستها آغشته به گل
و لای است، آثار خراشیدگی در ساق پای
راست و ناحیه راست قفسه سینه که مربوط به
زمان حیات است دیده می شود. اثری از لواط
قابل تشخیص نبوده، علت مرگ را پزشکی
قانونی متعاقباً ذیل شماره ۵۳۵۵ -

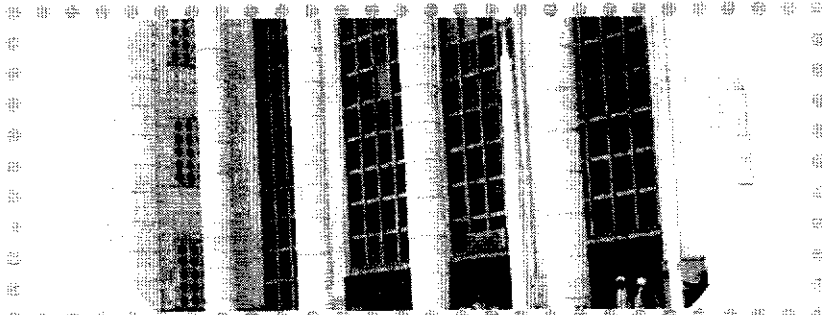
۷۴/۱۲/۱۹، غرق شدگی و خفگی در آب
اعلام نموده و کبودی بیضه ها با توجه
به نتیجه آسیب شناسی، ناشی از تغییرات پس
از مرگ تشخیص داده است. آقای سیاوش
کریمی، پدر مجید اظهار داشته، فرزندم
ناپدید شده بود که پس از جستجو، پسر بچه ای
اطلاع داد که در چشمه غرق شده است. از
عبدالکریم زمان زهی، تبعه افغانستان بدان
علت که از زمان مفقود شدن مجید ناپدید
شده، شکایت دارم. بانو زیبا، مادر طفل نیز
اظهار داشته، فرزندم روز پنجشنبه بعد از نهار
از منزل خارج شد. ابتدا تصور می کردم به
حاجی آباد رفته ولی جسدش در آب پیدا شده
است. در تاریخ ۷۴/۷/۱۵ از عبدالکریم زمان
زهی ۲۵ ساله تبعه افغانستان که در آن حوالی
اشتغال داشته بازجویی شده بدو گفته، روزی
که جسد پیدا شد یک افغانی آمد گفت،
پسر بچه را کشتم، می خواهم فرار کنم، به من

امارات و قرائن موجود در پرونده، بزهکاری او محرز و مسلم است و به استناد مواد (۲۰۶)، (۲۱۹) و (۲۳۲) حکم بر قصاص او صادر می‌گردد. محکوم‌علیه از این رأی تقاضای تجدیدنظر نموده و شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۲۵۱۱۹، آن را نقض نموده. به این خلاصه که متهم در تحقیقات اولیه اظهار داشته به اتفاق صمد زمان زهی مجید را ابتدا مضروب کرده و پس از فوت، او را به داخل آب انداخته‌اند. صمد زمان زهی حسب نامه ۴۰۸/۶۸/۲۹/۴ - ۷۴/۱۱/۲ در محل بوده و متواری شده است و از طرفی پزشکی قانونی ذیل شماره ۵۳۵۵/ب، علت فوت را غرق شدگی و خفگی در آب تشخیص داده است. علی‌هذا لازم بوده اولاً: از متهم و افراد مطلع تحقیق شود، صمد زمان زهی در ایام مقارن با وقوع حادثه کجا بوده و نزد چه کسی کار می‌کرده و اصولاً در محل بوده و چه آشنایی با مجید متوفی داشته است، ثانیاً: با توجه به گواهی پزشکی در مورد علت مرگ و اینکه متوفی با مایو در آب پیدا شده و عمق آب در قسمتهای مختلف اندازه‌گیری شود تا معلوم گردد امکان غرق شدن او هست یا نه؟ ثالثاً: از افراد مطلع تحقیق شود وی فن شنا می‌دانسته یا نه؟ رابعاً: از پزشکی قانونی تحقیق شود با فرض آن که وی در آب خفه شده است، آیا خونریزی از دماغ او امکان‌پذیر است و خونریزی مربوط به قتل یا بعد از آن می‌باشد، خامساً: روشن شود بدواً چه کسی از وجود او در آب مطلع شده... تحقیق بعدی به عهده مأمورین انتظامی محول شده. عمق آب را بین ۱/۵ تا ۲/۵ متر اعلام کرده‌اند، طول چشمه را ده متر و عرض آن را ۳/۵ متر تعیین نموده‌اند. از گواهان تحقیق شده، عزت شاه کریمی گفته دو نفر نزد من کار می‌کردند، در موقع حادثه



اظهار می‌دارد، من فقط به دستور صمد با مشت او را زدم که بعد معلوم شد فوت کرده است. مأمورین انتظامی که در جستجوی صمد بوده‌اند و موفق به دستگیری نشده‌اند، گزارش داده‌اند، با تحقیقاتی که انجام شده صمد وجود خارجی داشته ولی از تاریخ وقوع حادثه مشاهده نشده و کسی او را ندیده است. سرانجام دادگاه، آقای عنایت‌الله دانشور، وکیل دادگستری را به وکالت تسخیری متهم برگزیده و در ۷۵/۲/۲۶، به پرونده رسیدگی می‌نماید. والدین مقتول در جلسه دادگاه تقاضای قصاص متهم را نموده‌اند. متهم در جلسه دادگاه ارتکاب بزه را انکار کرده و اظهار می‌دارد، مطلقاً از موضوع خبر ندارد و آنچه قبلاً نزد مأمورین انتظامی گفته است در اثر کتک کاری و زور بوده و قاضی تحقیق را نیز نشناخته تصور می‌کرده مأمور انتظامی است. دادگاه پس از استماع مدافعات متهم و وکیل او، به موجب دادنامه ۲۷۶/۷۵، چنین رأی می‌دهد: با توجه به محتویات پرونده و گزارش واصله و کشف جسد و شکایات اولیای دم و اقرار صریح متهم در صورتجلسه ۷۴/۷/۸ و ۷۴/۱۰/۱۴ به ایراد صدمه بدنی منجر به قتل عمدی و فرار از صحنه جرم پس از ارتکاب و دستگیری توسط مردم و اعتراف او به مشارکت غیر (صمد) به منظور فرار از مجازات، با توجه به اینکه صمد وجود خارجی نداشته است و نظریه پزشکی قانونی و سایر

نیز پیشنهاد فرار می‌کرد که امتناع کردم، در تحقیقات بعدی نزد مأمورین انتظامی اظهار داشته دو روز قبل از کشف جسد، مجید و صمد به کنار چشمه آب رفتند من پشت سر آنها به قصد حمام کردن رفتم که دیدم صمد، مجید را گرفته و با دو دست خفه می‌کرد، یک مشت به پای او زدم پس از چند لحظه مجید خفه شده بود و به زمین افتاد، من پاهای او را گرفتم و صمد دو دستش را گرفته او را به داخل آب انداختیم؛ در هنگام دعوا، مجید لباس به تن نداشت بعداً صمد متواری شد و از من نیز خواست با او بروم ولی نرفتم، از علت درگیری اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. آقای سیاوش کریمی پدر مجید، عبدالکریم را قاتل فرزندش معرفی کرده و اظهار داشته، روز جمعه در محل نبوده، مبلغی از اکبر رستمی طلب داشت رفته بود بگیرد و متواری شود که دستگیر شد و صمد را نمی‌شناسد. متهم در نزد قاضی تحقیق نیز اظهار داشته، صمد با او رفیق بوده، با هم به گردش می‌رفتند صمد او را زده بوده من هم رفتم زدم، نگاه کردم دیدم مرده است، علت دعوی آنها را نمی‌دانم، صمد او را زده بود بعد من رفتم زدم بعد دیدم مرده است و صمد فرار کرد و مرا دستگیر کردند. دادگاه قرار بازداشت موقت متهم را صادر کرده، دستور دستگیری صمد را به مأمورین انتظامی می‌دهد که پیدا نشده است. در ۷۴/۱۰/۱۴، در تحقیقات مجدد



عبدالکریم زمان زهی پهلوی جسد بوده که بعداً متواری شد و گواه دیگر نیز به همین نحو شهادت داده. پزشکی قانونی در مورد خونریزی از گوش و بینی ذیل شماره ۱۴۰۰ - ۷۶/۳/۱ مرقوم داشته، علت خروج خون از دهان و بینی متوفی پس از مرگ، خروج خونابه و کف از دهان و بینی است که در جسد غرق شده طبیعی است و ناشی از ضربه مغزی نمی‌باشد. آقای رئیس دادگاه و پزشکی قانونی گودال را معاینه کرده و آن را به لحاظ درختچه‌های متعدد، آب را مناسب برای شنا نمی‌دانند و عمق آب را بین ۱ تا ۱/۵ متر برآورد کرده‌اند. پزشکی قانونی ذیل شماره ۱۳۱۴ و ۱۳۱۱، خروج خونابه‌ها را از بینی و گوش معروق امری طبیعی اعلام نموده‌اند. در این مرحله از چند نفر گواه دیگر تحقیق شده که آنان به وجود آثار زخم و سیاه‌شدگی و شکستگی انگشتان و بستن طناب به بازوان او شهادت داده‌اند که این اظهارات با معاینه جسد و گواهی پزشکی مطابقت ندارد. دادگاه بدون صدور حکم، پرونده را به دیوان عالی کشور عودت داده‌اند که برای صدور حکم طی شماره ۲۳۹ اعاده شده است و دادگاه به موجب دادنامه شماره ۱۴۴۲/۷۶ مجدداً حکم قصاص از متهم را صادر نموده‌اند. بر اثر تجدیدنظر خواهی محکوم علیه، شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به شرح دادنامه شماره ۱۹/۱۱۳ به شرح بین‌الهیالین، رأی را نقض نموده است: (اولاً؛ مقتول ملبس به مایو بوده و لباسهای او بالای گودال آب قرار داشته، مشخص نیست مایو متعلق به او بوده یا به او پوشانیده‌اند. در این مورد از اولیای دم استعلام نشده، ثانیاً؛ مشخص نیست تورم سر و صورت متوفی که در معاینه جسد مشهود بوده معلول ضربه و یا ماندن در آب بوده است، ثالثاً؛ عبدالکریم به

رأی شماره ۱۰۷۲ - ۷۷/۱۲/۸ مبادرت به صدور حکم بر قصاص متهم نموده و متهم درخواست تجدیدنظر کرده و شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به شرح دادنامه شماره ... آن را نقض، رسیدگی را به شعبه دیگر محول نموده و چنین استدلال کرده‌اند مستند دادگاه بر صدور حکم قصاص از عبدالکریم زمان زهی و شرکت او در قتل مرحوم مجید کریمی عمدتاً اقراریه اولیه او در نزد مأمورین انتظامی و قاضی تحقیق است که بعداً عنوان نموده در نزد مأمورین انتظامی تحت فشار بوده و قاضی تحقیق را در هنگام بازجویی تشخیص نداده و تصور کرده از مأمورین انتظامی است. به هر حال منکر ارتکاب قتل است. آنچه در نزد قاضی تحقیق بیان داشته این است که قبول دارم یک مشت به او زدم، صمد او را زد من هم زدم نگاهش کردم مرده بوده و نزد مأمورین انتظامی اظهار داشته، صمد او را خفه کرد و به من گفت تو هم او را بزنی یک مشت به پای او زدم، بعد مرده بوده و پاهای او را گرفتم و صمد دست او را گرفت و در آب انداختیم. در معاینه جسد و بعد از کالبد شکافی هیچ اثری از ضرب و جرح خفه‌کردگی و خونمردگی در ناحیه گردن و سایر اعضای بدن مشاهده نشده، روی بیضه نیز در گواهی شماره ۵۳۵۵ ب - ۷۴/۱۲/۱۹ اثر ضربه تشخیص نشده خونها و خونابه‌های خارج از بینی و گوش اثر طبیعی در خفه شدن و خفه کردن می‌باشد و جسد متوفی در هنگام مشاهده در آب تنها ملبس

حاکم دادگاه گفته هر دو کارت خود را از شمیران - ریافت کرده‌اند، قهراً فرمانداری حاجی آباد از آن مطلع نبوده و از مرجع صادرکننده استعلام نشده، رابعاً؛ معلوم نیست مجید در آب خفه شده و یا به طوری که متهم بیان داشته قبل از سقوط در آب فوت کرده بوده و احتمالاً این امر از وجود آب در ریه‌ها مشخص می‌شود و پزشک این امر را روشن نکرده است و لازم است از پزشکی که کالبد شکافی کرده در این باره و در مورد علت تورم به سر و صورت و اینکه جمجمه کالبد شکافی شده یا نه تحقیق شود، خامساً؛ هر چند اولیای دم تنها از عبدالکریم شکایت کرده‌اند لکن تحقیق از صمد در مورد دخالت عبدالکریم در ماجرا و میزان مسئولیت او و احیاناً اعمال مواد (۲۰۸) و (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی مؤثر است و لازم است از متهم پیرامون هویت صمد و کسان او در ایران و اینکه چه مدت در حاجی آباد بوده و نزد چه افرادی کار می‌کرده تحقیق شود... پس از اعاده پرونده، تحقیقاتی در این خصوص انجام و فرمانداری تهران طی شماره ۵۹/۳۷۴۷، اعلام نموده: بدون ارائه کارت و شهرستان محل صدور، امکان دسترسی به سوابق اتباع وجود ندارد. پزشکی قانونی پاسخ داده، پزشکی که کالبد شکافی کرده تسویه حساب کرده و رفته است و تورم سر و صورت ناشی از فساد و استحاله می‌تواند باشد و آثاری از ضرب و جرح گزارش نشده است. دادگاه پس از انجام تحقیقات به موجب

مضافاً عنایت به دفاعیات متهم و سایر محتویات پرونده، وقوع یزه منتسبه به متهم محرز نمی‌باشد. بنابراین دادنامه مزبور به استناد بند «ج» ماده (۲۲۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، با اکثریت آرا نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه دیگری از دادگاههای عمومی حاجی‌آباد و در صورتی که در این محل دادگاه عمومی دیگری نباشد، به دادگاه عمومی نزدیکترین محل ارجاع می‌شود.

کیفری، قابل طرح در هیأت عمومی اصراری جزایی است. پرونده به نظریاست محترم دیوان عالی کشور می‌رسد.

به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۸۰/۹/۶ جلسه اصراری کیفری هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیه‌الله محمد محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان، رؤسا و مستشاران و اعضای معاون شعب کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای حسن فاخری معاون اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر «باتوجه به گواهی پزشکی قانونی که پس از معاینه جسد مجید کریمی ۱۵ ساله، علت فوت را غرق شدگی و خفگی در آب اعلام نموده‌اند و آثار ضرب و جرح در جسد محتوفی وجود نداشته و از ملاحظه گزارش تنظیمی و مراتب مذکور در پرونده کار، دلیلی بر وقوع قتل از ناحیه عبدالکریم زمان زهی ملاحظه نمی‌شود، لذا رأی شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور موجه بوده و مورد تأیید است.» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح داده‌اند:

بسمه تعالی

رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شعب کیفری)

اعتراض تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه شماره ۱۱۳/۷۹ صادره از دادگاه عمومی حاجی‌آباد که به موجب آن عبدالکریم زمان زهی درمورد قتل عمدی مجید کریمی به قصاص نفس محکوم شده وارد است؛ زیرا باتوجه به وضعیت جسد در موقع کشف و نظریه پزشکی قانونی دایر بر عدم وجود آثار مسمومیت و خفه‌کردگی و

به یک مایو بوده و سایر لباسهای او مانند کسی که به اختیار داخل آب شده در کنار حوضچه آب قرار داشته است و به اظهار اولیای دم، مایو شنا نیز متعلق به خود او بوده است. ادعای آنکه هنگام خروج از آب دو پای او بسته بوده ثابت نشده. علی‌هذا باتوجه به مراتب فوق و گواهیهای متعدد پزشکی، خفگی بیرون آب و خفه‌کردگی از طریق فشار بر گردن با گواهیهای پزشکی مطابقت ندارد و در بدن هیچ اثری از ضرب مشاهده نشده که علت مرگ باشد و آثار موجود در بیضه‌ها ناشی از ضربه نبوده و قرائن دیگر که در حکم دادگاه به آن استناد شده کافی بر ارتکاب قتل نیست و بینه نیز وجود ندارد. رأی تجدیدنظر خواسته نقض و رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه عمومی حاجی‌آباد ارجاع می‌گردد. پس از اعاده پرونده از جهت آن که حاجی‌آباد بیش از دو شعبه نداشته که مسبوق به اظهار نظر نباشند، پرونده به شعبه اول دادگاه عمومی بندرعباس ارجاع شده و شعبه پس از رسیدگی به موجب دادنامه شماره ۱۱۳ - ۷۹ حکم بر قصاص متهم داده‌اند که پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده است.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای سیدعباس بلادی عضو ممیز و اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای رسول شامل دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و دادنامه شماره ۱۱۳ - ۱۳۷۹/۱/۳۰ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

نظر به اینکه دادگاه مرجوع‌الیه نیز به همان علل و اسبابی که مستند حکم منقوض بوده حکم بر قصاص از متهم داده‌اند که مورد تأیید این شعبه نیست، مستنداً به بند «ج» ماده (۲۲۶) قانون آیین دادرسی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور

